



## هوالطیف

### سلامت معنوی

تاریخ: تیر ماه ۱۳۹۳

سال اول شماره ۳

دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس - اداره سلامت معنوی

الهی نام تو ما را جواز، مهر تو ما را جهاز، شناخت تو ما را امان، لطف تو ما را عیان.

الهی فرمودی کریم امید بر آن تمام است و چون گفتم رحیمم نو میدی بر ما حرام است.

## جایگاه محبت در سلامت معنوی

### معنای محبت

کزو گرم است بازار محبت

دلی دارم خریدار محبت

ز نار محنت و بود محبت

لباسی دوختم بر قامت دل

### باباطاهر

محبت در لغت، به معنای دوست داشتن و علاقه مندی آمده است و در اصطلاح عرفان عملی، به سرور و لذتی که ناشی از جذب شدن به کمال و جمال حقیقی باشد، تعبیر شده است. این کشش درونی، قابل شدت و ضعف است که در مرتبه ضعیف، همان ارادت است. در مرتبه بعد، شوق خوانده و در مرتبه قوی تر به آن محبت گفته اند. اگر محبت و علاقه مندی، به شدت برسد به آن، عشق گویند.

### وجود نوعی کشش در میان موجودات

یکی از قوانین عمومی خلقت، قانون جذب و دفع است. از بزرگ ترین تا کوچک ترین اجزای عالم، دارای نیروی جاذبه هستند. ارتباط مغناطیسی و آهن، ارتباط بدن موجودات با جذب غذای لازم، تمایل موجودات به رهایی از نقص و سپس جذب به مرتبه کمالی خود، همه نشان از نیرویی عظیم است که موجب تحرک و کشش میان عناصر خلقت می شود. بنابر یافته های علمی هیچ ذره ای از ذرات جهان هستی از دایره حکومت جاذبه عمومی خارج نیست. فقدان و نبودن این نیرو فروپاشی همه اجزای هستی را در پی خواهد داشت و وجود آن هویت و تعالی بخش حیات موجودات است. ابوعلی سینا در رساله ای پیرامون عشق می نویسد: هر یک از موجودات به واسطه جنبه وجودی که در اوست، همیشه شایق به کمالات و خیرات است و از بدی ها گریزان. این اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای موجودات عالم است، عشق نام دارد.

حکیمان این کشش را عشق خوانند

طبایع جز کشش کاری ندانند

به عشق است ایستاده آفرینش

گر اندیشه کنی از راه بینش

### مولوی

فیلسوفان پس از اثبات وجود و بقای عالم به واسطه عشق، این نیرو را سبب حرکت تکاملی جهان از نقص به کمال دانسته اند. آن چنان که در نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، جهان یکپارچه در شور و غوغا برای رسیدن به مراتب بالاتر هستی در تکاپوی خستگی ناپذیر است.

ذرات جهان را به تک و پوی تو دیدیم

تا مهر رخت بر همه ذرات بتابید

خلق دو جهان را همه رو سوی تو دیدیم

در ظاهر و باطن به مجاز و به حقیقت

### مولوی

در دام تو مجوسم، در دست تو مغلوبم  
وز ذوق تو مدبوشم، در وصف تو حیرانم

## جایگاه محبت در سلامت معنوی

### علل سه گانه محبت ورزی انسان

اساس فعالیت های انسان حب اوست به خود و هر آنچه می تواند برایش لذت آور و تعالی بخش باشد. علت های سه گانه کشش قلبی انسان به مهر و محبت عبارتند از:

۱. لذت: این احساس، از اصلی ترین عوامل ایجادکننده دوستی و محبت است که شامل لذت های جسمانی، مثل علاقه به چهره ای زیبا و لذت های غیرجسمانی، مانند علاقه مندی به مطالعه در موضوعی خاص می شود.
  ۲. منفعت: انسان موجودی است با نیازهای مادی و معنوی که می کوشد بنابر مصلحت حیاتش، به آنچه در آن خیر و محبتی بر رفع نیازهایش احساس می کند جذب شود، محبتی که به خاطر سودخواهی و رفع نیازها شکل می گیرد.
  ۳. سنخیت: بیشتر دوستی ها به دلیل سنخیت در ابعاد جسمی، روانی و معنوی بین انسان هاست. تشابه در انگیزه ها، رفتارها، گرایش ها، نگرش ها، فضیلت ها و... مهم ترین عامل پیوند و محبت میان افراد است.
- مولوی در مثنوی به انسی که بین دو حیوان با ظاهری متفاوت و فقط به واسطه شباهت در یک خصوصیت ایجاد شده، اشاره کرده است:

در بیابان زاغ را با لک لکی  
تا چه قدر مشترک یابم نشان  
خود بدیدم هر دو تا بودند لنگ

آن حکیمی گفت دیدم هم تکی  
در عجب ماندم بجستم حالشان  
چون شدم نزدیک و من حیران و دنگ

### مولوی

دوست داشتن خوبی ها و ارزش ها نیز به دلیل سنخیتی است که روح و فطرت پاک آدمی با آنها دارد.

### جایگاه محبت در عرفان

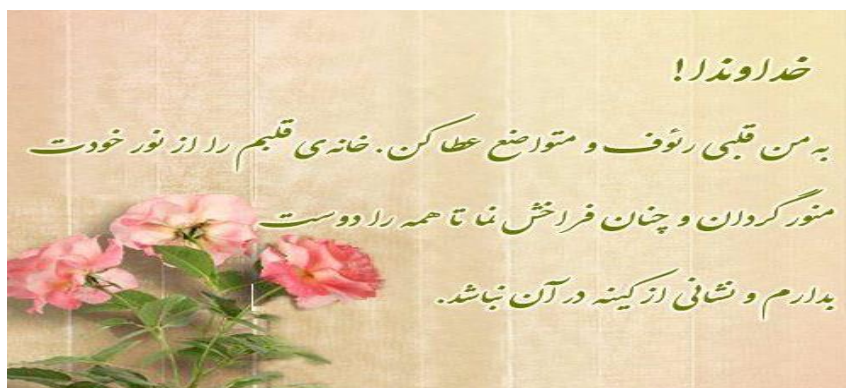
نیروی محبت در مکتب های گوناگون عرفانی از جمله عرفان اسلامی، جایگاه بلندی دارد. بسیاری از اهل عرفان و سیر و سلوک به جای پویش عقل و استدلال، راه محبت و ارادت را پیشنهاد می کنند.

به راستی چرا به عنصر محبت و دوستی همواره به عنوان اساس کمال معنوی تأکید می شود؟ شاید به دلیل قدرتی است که محبت و عشق در تحول آفرینی دارد. محبت رقت قلب، تلطیف احساسات، فروتنی، بیداری و استعدادهای ذاتی مثبت، تقویت اراده، رشد ادراک و احساس و زایل شدن ضعف و زبونی و کینه و کدورت را در پی دارد. بیزاری و رهایی از رذایل نفس، از لوازم سیر و سلوک است.

او ز حرص و عیب کلی پاک شد  
ای طیب جمله علت های ما  
ای تو افلاطون و جالینوس ما  
کوه در رقص آمد و چالاک شد

هر که را جامه ز عشقی چاک شد  
شاد باش ای عشق خوش سودای ما  
ای دوای نخوت و ناموس ما  
جسم خاک از عشق بر افلاک شد

### مولوی



## جایگاه محبت در سلامت معنوی

عشق و محبت پاک و الهی، عاملی مهم در رشد شخصیت و مبارزه با محدودیت های نابه جا در فکر و عمل و نیز ارتقای معنویت و عرفان روح است و مهر و محبتی جز این، پی آمدهای ناخوشایندی چون: وابستگی های شدید عاطفی، همرنگی و الگوگیری منفی را به دنبال خواهد داشت.

«وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ کسانی که ایمان آورده اند، در دوستی خدا سخت ترند». (بقره: ۱۶۵)

عشق به فضایل و زیبایی های اخلاقی، از ایمان و اطاعت خداوندی جدا نیست. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؛ آیا دین، غیر از دوستی و محبت است؟» شدت و ضعف اطاعت و پرستش پروردگار، به نسبت عشقی است که انسان به او دارد. از امام صادق علیه السلام نیز نقل است:

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی نمایی؟! به جان خودم که این رفتاری شگفت است. اگر دوستی ات راستین بود، اطاعتش می کردی؛ زیرا که دوستدار مطیع، کسی است که او را دوست دارد.

اطاعت عاشقانه خداوند، محبت زیاد معشوق را نیز موجب می شود. قرآن کریم از دوستی خدا در حق مؤمنان بسیار سخن گفته است: «خداوند، پاکیزگان، نیکوکاران، عدالت پیشه گان و توبه کنندگان را دوست دارد».

### محبت راستین و دروغین

محبت دو گونه است: محبت صادق و محبت کاذب. محبت صادق، آن است که انسان دلداه کمالی حقیقی شود، مانند: محبت به ارزش ها و عشق به خداوند. چنین محبتی دو طرفه است، چرا که روشنایی وجود محبوب، طرف مقابل را جذب می کند. محبت کاذب، آن است که انسان نقص را کمال پندارد و به زیبایی بی اساس و دروغین گرایش یابد، مانند دل بستن به اموری که ناپایدارند و با تعالی روح مغایرت دارند که دل بستگی به مال، حب دنیا و شهرت و مقام، لذت های جنسی و... از این جمله اند.

نظامی گنجوی در پایان داستان لیلی و مجنون می گوید:

لیلی در اواخر عمر بیمار شد و طراوتش از بین رفت. او به مادرش وصیت کرد: پیام مرا به مجنون برسان و به او بگو اگر خواستی محبوبی برگزینی، دوستی مانند من مگیر که با یک تب، همه طراوتش را از دست بدهد و با یک بیماری، همه نشاط او فرو بنشیند، دوستی را انتخاب کن که زوال پذیر نباشد.

**خواهد فلکش ز دور چشم تو ربود**

**هر صورت دلکش که ترا روی نمود**

**بودست همیشه با تو خواهد بود**

**رو دل به کسی نه که در اطوار وجود**

**عمر خیام**

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده  
در یکی از روزها به یارانش فرمود  
آیا در میان شما کسی هست  
که دست در جیب دوستش بکند  
و هر اندازه پول که می خواهد بر دارد؟  
در پاسخ گفتند نه. فرمود:  
پس هنوز شما دوست یگدیگر نمی باشید  
"کشکول شیخ بهانی"

## جایگاه محبت در سلامت معنوی

در انتخاب محبوب، شناخت دقیق آن برای دل سپردنی واقعی بسیار مهم است که همانا معرفت درونی انسان به هستی را نشان می دهد و با رسیدن به معرفتی کامل از محبوب، عشق و محبت به یار فزونی می یابد و در سراسر وجود فرد رخنه می کند. در حدیث قدسی است که خداوند می فرماید:

مَنْ طَلَّبَنِي، وَجَدَنِي، وَجَدَنِي، عَرَفَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي، أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي، عَشَقَنِي وَ مَنْ عَشَقَنِي، عَشَقْتُهُ وَ مَنْ عَشَقْتُهُ، قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ، فَعَلِيَ دِيَّتُهُ، وَ مَنْ عَلِيَ دِيَّتُهُ، فَأَنَا دِيَّتُهُ.

آن کس که مرا طلب کند، مرا می یابد و آن کس که مرا یافت، من را می شناسد و آن کس که مرا شناخت، من را دوست می دارد و آن کس که مرا دوست داشت، به من عشق می ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می ورزم و آن کس که من به او عشق ورزیدم، او را می کشم و آن کس را که من بکشم، خون بهای او بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب شد، پس خود من خون بهای او هستم.

**عشق نبود عاقبت ننگی بود**

**چونکه مرده سوی ما آینده نیست**

**هر دو می باشد ز غنچه تازه تر**

**وز شراب جانفزایت ساقی است**

**یافتند از عشق او کار و کیا**

**عشق هایی کز پی رنگی بود**

**زانکه عشق مردگان پاینده نیست**

**عشق زنده در روان و در بصر**

**عشق آن زنده گزین کو باقی است**

**عشق آن بگزین که جمله انبیا**

مولانا

اگر از کمند عشقت بروم کجا کز نرم؟

که خلاص بی تو بندست و حیات بی تو زندان

سعدی شیرازی

### نقش محبت به اهل بیت علیهم السلام در سیر و سلوک

محبت، فرد مُحب را به همسانی با محبوب سوق می دهد. محبت دلدار، دل از کف دلداده می رباید و او را به انگیزه وصل زنده می دارد، حال آنکه از بذل جان نیز نگران نیست. پس آدمی را آنچه شایسته مهر و علاقه است و کمالی دارد، معرفتی باید تا جز به حقیقت و ارزش برتر جذبی نباشد.

اهل بیت علیهم السلام شایسته ترین مخلوقات برای عشق ورزی و محبوبیتند؛ زیرا کامل ترین انسان ها و مجمع نیکی ها و فضایل اخلاقی اند.

احادیث بسیاری از اهل تسنن و شیعه بر ارزشمندی حب اهل بیت علیهم السلام برجای است. از جمله: «حب اهل بیت علیهم السلام حب خدا و رسول خداست»، «هرکس با محبت اهل بیت علیهم السلام بمیرد، شهید مرده است»، «حب اهل بیت علیهم السلام ، برترین عبادت است».

با توجه به مشابهت و همسانی که میان محب و محبوب ایجاد می شود، زیباترین نشانه دوستی با اهل بیت علیهم السلام هم شکلی و هم رنگی با این بزرگواران است.

محبت ورزی آدمی به پروردگارش، آن گاه از روی صدق و وفاست که به آنچه و آن کس که خدا دوستدار اوست، عشق بورزد. در این میان، محبت و علاقه خداوند به اهل بیت علیهم السلام ، همواره در طول تاریخ مورد اتفاق شیعه و سنی بوده و هست: «پروردگارا! از تو می طلبم، محبت خود را و آنچه را دوست داری».

**باید که خاک در که اهل نظر شوی**

**گر در سرت هوای وصال است حافظا!**

